

جایگاه رسم‌الخط در آموزش روخوانی قرآن کریم

رضا نباتی

مقدمه

مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از فاریان، حافظان و علاقمندان به قرآن کریم فرمودند: «واقعیت تلخ این جاست که قرآن هنوز در جامعه ما يك امر عمومی نشده است. همه به قرآن عشق می‌ورزند، احترام می‌کنند، اما عده کمی همواره آن را تلاوت می‌کنند و عده کمتری در آن تدبیر می‌کنند.»

این یک واقعیت است که عموم مردم با این که خود را به حقیقت مدافع و فدایی قرآن می‌دانند اما قرآن نمی‌خوانند؛ این یک سؤال مهم است که راستی «چرا عموم مردم قرآن نمی‌خوانند؟»

با کمی توجه به تجارب موجود در می‌یابیم که هر ساله اعتبارات میلیونی و میلیاردی صرف آموزش عمومی قرآن کریم در جامعه می‌شود. منظور از آموزش‌های عمومی، آموزش روخوانی و روان‌خوانی قرآن کریم برای عموم مردم است. مثلاً آموزش و پرورش در طول سال‌های متمادی برای معلمان آموزش روخوانی و روان‌خوانی قرآن کریم برگزار کرده است؛ یا آموزش عالی برای دانشجویان از دوره کاردانی تا کارشناسی‌ارشد، یک واحد پیش نیاز آموزش روخوانی قرآن کریم برگزار می‌کند. و یا نهضت قرآن‌آموزی با صرف هزینه‌های چند صد میلیونی و میلیاردی در قالب مؤسسات متعدد قرآنی اقدام به تشکیل کلاس‌های آموزش روخوانی قرآن کریم می‌کند. ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی و تشکلهای و مؤسسات قرآنی مردمی و همچنین مساجد و هیئات نیز همین کار را انجام می‌دهند. در جامعه ما این گونه فعالیت‌ها، کارهای خوبی به شمار می‌رود، اما باز این سؤال به قوت خود باقی است که «براستی چرا مردم قرآن نمی‌خوانند؟» آیا واقعا مشکل مردم این است که قرآن بلد نیستند؟ و یا نه، اساسا آنان قرآن نمی‌خوانند؟

پاسخ به این سوال دارای ابعاد مختلفی است که در سایر مقالات نویسنده به آن‌ها اشاراتی شده است. ولی به نظر، از مهم‌ترین علل عدم انس دائمی عموم مردم با قرآن کریم به موضوع نامتناسب بودن رسم‌الخط‌های موجود قرآن‌های رایج، با دانش و مهارت‌های کسب شده مخاطبان مربوط می‌شود. آن چه در این مجال به آن پرداخته می‌شود، اشاره‌ای هرچند کوتاه است به جایگاه رسم‌الخط در آموزش قرآن کریم.

علت و معلول

مسئله اصلی این است که عموم مردم ایران به دلیل این با قرآن کریم انس دائمی ندارند که در روخوانی آن با مشکل جدی رو به رو هستند. وجود این معلول ناظر به دو علت اساسی است:

۱- ناظر بر هدف‌گذاری‌های نادرست در عموم آموزش‌های قرآن از آن جمله نادیده گرفتن مهم‌ترین و اساسی‌ترین هدف آموزش یعنی «انس دائمی مخاطب با قرآن کریم»؛ به تعبیر دیگر، اشکال اساسی شیوه‌های رایج آموزش قرآن در کشور این است که، این شیوه‌ها افراد را «قرآن‌دان» بار می‌آورد اما در نهایت منجر به «قرآن‌خوان» شدن مستمر و مادام‌العمر فرد در مسیر زندگی نمی‌شود.

۲- وجود رسم‌الخط‌های متعدد در کتابت قرآن‌های رایجی که عمدتاً با سواد فارسی یعنی خواندن و نوشتن آموخته شده عموم مردم، تناسب لازم را ندارد. در این جا منظور از رسم‌الخط همان نحوه‌ی اعراب‌گذاری کلمات قرآن است که به آن «ضبط المصحف» نیز گفته می‌شود.

جالب است بدانیم از دلایل مهم بروز مشکل اول و هم چنین کج‌تابی روش‌های آموزش عمومی قرآن بی‌توجهی به جایگاه رسم‌الخط قرآن است و به دلیل فقدان یک فلسفه وجودی در آموزش‌ها و فعالیت‌های

قرآنی در طول سال‌های متمادی به جای آن که مشکل را حل کنیم با آن کنار آمده‌ایم. در این جا با ذکر این که چه چیزی آموزش روخوانی قرآن نیست به بیان برخی از این اشکالات می‌پردازیم:

چه چیزی آموزش روخوانی قرآن نیست؟

دو اشکال اساسی در روش‌های تدریس روخوانی قرآن کریم و همین طور در عموم کتاب‌های آموزشی در این باره دیده می‌شود:

اشکال اول: آموزش بر خواندن معلم استوار است و قرآن‌آموزان آیات درس را با معلم یا نوار قرائت همخوانی می‌کنند.

اشکال دوم: کلاس درس آموزش روخوانی قرآن به جای مهارت‌آموزی مبتنی بر فائده محوری است. شاید برخی از معلمان یا خوانندگان مقاله بر این باور یا فشاری کنند که این روش‌ها کاملاً صحیح است. در پاسخ به این دوستان باید گفت بسیاری از افراد قادر به روخوانی همه آیات و صفحات قرآن کریم نیستند و تنها می‌توانند برخی از سوره‌ها و آیات منتخب مانند آیه الکرسی و... را بخوانند. این مسأله مربوط به افراد بزرگسال نیست بلکه در اغلب کلاس‌ها و جلسات قرآنی این مسأله مشاهده می‌شود. این مسأله مانند آن است که یک دانش‌آموز بگوید من فقط می‌توانم کتاب فارسی خود را بخوانم و قادر به خواندن سایر کتاب‌ها نیستم. یقیناً این نوع آموزش از معلم این دانش‌آموز پذیرفته نیست زیرا که آموزش او به تعمیم یادگیری نیانجامیده است.

اشکال کار این معلم فارسی و آن معلم قرآن در این است که آموزش به جای آن که بر تقویت حسس بینایی تأکید کند بر حس شنوایی تأکید دارد. و از آن جا که هر فردی برای خواندن، لاجرم نیازمند استفاده از چشم است و برای این کار باید حس بینایی به اندازه کافی مهارت لازم را به دست آورده باشد. به نظر دانشمندان، تنبلی‌ترین عضو بدن، چشم است زیرا تنها ده درصد آن چه را می‌بیند به مغز مخابره می‌کند و از سوی دیگر ۷۳ درصد یادگیری از طریق دیدن اتفاق می‌افتد. بنابراین اگر معلم تکیه آموزش خود را بر شنیدن استوار گرداند، این ده درصد دیدن نیز کاهش می‌یابد و دانش‌آموز یا قرآن‌آموز از طریق شنیدن با کلمات، عبارات و آیات آشنا شده و بر اساس آن چه شنیده تنها همان مطالب را «**کلی خوانی**» می‌کند. درباره‌ی دلایل بروز اشکال دوم یعنی قاعده‌آموزی به جای مهارت‌آموزی نیز در جای خود سخن خواهیم گفت.

اما این دو اشکال از کجا نشأت می‌گیرد؟

این دو اشکال اساسی که در اغلب روش‌ها و کتاب‌های آموزش روخوانی قرآن وجود دارد، از تعدد رسم‌الخط‌های رایج در کشور ناشی شده است. رسم‌الخط‌های رایج از نظر اعراب‌گذاری (ضبط المصحف) دارای اعراب زائد فراوانی هستند. یعنی علائمی که صرفاً برای خوشنویسی و زیبایی خط مصحف شریف نوشته می‌شوند و بیش‌تر جنبه سلیقه‌ای دارند. بودن این علائم نه تنها ضرورتی ندارد بلکه باعث به وجود آمدن مشکلات فراوانی در قرائت می‌شوند.

به عنوان مثال قرآن آموز این علائم را در کلمه « نوحیها » می‌خواند، اما فرد به دلیل عدم اطلاع کافی از علت وجود این علائم، پیوسته دچار اغلاط متعدد می‌شود. و از آن جا که مخاطب هرگز اجازه طرح این فکر را که امکان اشکال در نوشتار قرآن هست به ذهن خود راه نمی‌دهد (به دلیل قداستی که برای قرآن کریم قائل است)، بنابراین خود را مقصر و ناتوان می‌داند؛ این طرز فکر رفته رفته در اثر تکرارهای بعدی قوت گرفته و منجر به قطع ارتباط فرد با خواندن مداوم قرآن کریم می‌شود.

انواع رسم الخط مصاحف رایج در ایران

در بلاد اسلامی و هم چنین کشور ایران که مهد هنرهای فاخر و زیبایی هم چون خوشنویسی است. بسیاری از خوشنویسان از روی ارادت به قرآن کریم و یا به سفارش بزرگان و سلاطین زمان خود، اقدام به کتابت مصحف شریف کرده اند. خوب است با انواع کتابت برخی از این رسم الخط ها آشنا شویم:

(الف) کتابت به خط عثمان طه (به رسم الخط عربی): این رسم الخط علاوه بر زیبایی، محسنات و ویژگی‌هایی دارد که توجه قاریان قرآن را به خود جلب کرده است .

(ب) کتابت به رسم الخط فارسی: در این نوع کتابت، الف‌های کوتاه به صورت ممدود نوشته می‌شود؛ مثلاً «کتب» به صورت «کتاب» و «انزله»، «انزناه» تحریر می‌شود .

(ج) رسم الخط پاکستانی: این نوع کتابت از نظر محتوایی، با رسم الخط عربی فرقی نمی‌کند و تفاوت آن، شکلی است.

در کتابت‌های فوق به دلیل غلبه داشتن فنون خوشنویسی، بسیاری از ترکیب‌ها، جایجایی علائم و علائم زائد وجود دارد و در شیوه‌های نوشتن این قرآن‌ها، حرکات و علائم در محل اصلی خود قرار نگرفته‌اند. و از نظر آموزشی به کلمه‌آرایی، سطرآرایی و صفحه‌آرایی توجه نشده است. مناسب است در این‌جا به شیوه‌ی دیگری که در سال‌های اخیر در کتابت قرآن کریم در ایران اسلامی مورد استفاده قرار گرفته اشاره بشود.

(د) قرآن کم علامت : شیوه‌ای که در مرکز طبع و نشر قرآن کریم جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته و در کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش و برخی مراکز دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این شیوه، علائم زائد و سلیقه‌ای را حذف کرده و کتابت قرآن را به شیوه‌ی « نگارش فارسی » (کم‌کردن علائم) نزدیک کرده‌اند.

مهم‌ترین ویژگی‌های این رسم الخط، کم علامت بودن آن است و همین کار باعث شده است تا در روش آموزش تحولات قابل توجهی اتفاق بیافتد. از آن جمله:

۱- کاهش اغلاط اعرابی و در نتیجه احساس موفقیت فرد هنگام خواندن قرآن

۲- افزایش انگیزه، علاقمندی و انس مستمر فرد با تلاوت قرآن کریم

تنها در این شیوه از کتابت است که معلم می‌تواند به قرآن‌آموز بگوید: **«بین و بخوان»**؛ زیرا در سایر رسم‌الخطها دانش‌آموزان اغلب کلمات و حتی عبارات را غلط می‌خوانند؛ مگر آن که معلم به یکی از دو اشکال یاد شده عمل کند تا دانش‌آموزان درست بخوانند؛ یعنی:

اولا (خودبخود بخواند و از شاگردان بخواهد تکرار کنند؛

ثانیا) چون نمی‌تواند همه قرآن کریم را با شاگردان کلاس هم‌خوانی کند، مجبور بشود هر یک از قواعد و نمادهای قرآنی را در ابتدای هر کلاس درس بدهد. (قاعده محوری)

به مثال های زیر و توجه کنید و کلمات را همان گونه که نوشته شده بخوانید :

۱- **خالدون** (رسم الخط عثمان طه) - **خالدون** (رسم الخط کم علامت)

۲- **یوسف** (رسم الخط عثمان طه) - **یوسف** (رسم الخط کم علامت)

۳- **نوحیها** (رسم الخط عثمان طه) - **نوحیها** (رسم الخط کم علامت)

۴- **إلا** (رسم الخط عثمان طه) - **إلا** (رسم الخط کم علامت)

۵- **ما أصابک** (رسم الخط عثمان طه) - **ما اصابک** (رسم الخط کم علامت)

آسیب‌شناسی روش‌های موجود آموزش روخوانی قرآن

برخی از آسیب‌های مهم شیوه‌های موجود آموزش روخوانی قرآن کریم عبارتند از :

- ۱- در این روش، مهارت درست دیدن جای خود را به روش شنیداری می‌دهد و در نتیجه فرد همواره در خواندن قرآن توسط چشم با مشکل اساسی روبه‌رو است.
- ۲- آموزش یک سوبه و معلم‌محور است و قرآن‌آموزان اغلب در این شرایط منفعل عمل می‌کنند.
- ۳- بیشتر وقت کلاس به‌جای مهارت‌آموزی صرف قاعده‌آموزی می‌شود.
- ۴- این روش فقط به یادگیری متن مورد نظر آن هم به صورت کلی‌خوانی منجر شده و در نتیجه به تعمیم در خواندن سایر سوره‌ها و آیات نمی‌انجامد.
- ۵- تجربه نشان داده است که آموزش قواعد به این شیوه، به علت انتزاعی بودن مطالب، چندان تأثیر مثبتی در یادگیری کامل قواعد ندارد و تنها به حفظ کردن تعاریف و قواعد منجر می‌شود؛ در نتیجه تنها مقدار کمی از قاعده آموخته می‌شود. در صورتی که اصل آموزش و یادگیری به صورت عملی و در حین مهارت‌آموزی به فراگیر انتقال داده می‌شود.

پاسخ به یک سؤال

سوالی که در این جا مطرح می‌شود این است که «**با وجود این همه دلایل روشن علمی، چرا رسم‌الخطها و متعاقب آن روش‌ها و کتاب‌های آموزشی به نحوه مطلوب اصلاح نمی‌شوند؟**»

در پاسخ این سؤال باید گفت دو دیدگاه همیشه در آموزش قرآن وجود داشته است :

دیدگاه اول - معتقد است آموزش باید همواره از ساده به مشکل (از معلوم به مجهول) صورت پذیرد. (توجه به مبدأ)؛ این دیدگاه موافق تغییر و اصلاح رسم‌الخط قرآن، روش‌های تدریس و کتاب‌های آموزشی است.

دیدگاه دوم - معتقد است که آموزش‌ها باید به توانایی خواندن قرآن‌های رایج بیانجامد زیرا این رسم‌الخطها در همه مساجد، منازل و جلسات قرآن وجود ندارد. (توجه به مقصد)
در پاسخ طرفداران دیدگاه دوم باید گفت این نگرانی قابل توجه است و از مسائلی است که نمی‌توان از کنار آن به راحتی عبور کرد. اما این دغدغه کاملاً قابل حل است؛ فقط نیازمند یک برنامه ریزی آموزشی مناسب است. برای رفع این نقیصه باید به این دو نکته توجه کرد :

اولا) اگر آموزش روخوانی از مراحل اولیه درست انجام شود، از وقتی از نظر روان‌شناسی یادگیری قرآن‌آموزان به تدریج از «**جزئی‌خوانی**» به «**کلی‌خوانی**» می‌رسند و کلمه یا عبارت را به همان شکلی می‌خوانند که در مراحل قبلی اول آموخته‌اند، هر چند دارای اشکال باشد.

به عنوان مثال : خواننده محترم به محض دیدن کلمه «**قل**» آن را «**قل**» می‌خواند، اما این کلمه می‌تواند «**قل**» نیز باشد. ولی شما بلا فاصله با دیدن کلمه «**قل**» بدون توجه به اعراب کلمه، آن را «**قل**» می‌خوانید. در تمامی کلمات قرآن هم چون خالدون، یوسف، نوحیها، إلّا این مسأله اتفاق می‌افتد.

ثانیا) در مراحل بعدی می‌توان در مدت یک یا دو جلسه کوتاه اغلب قواعد هر یک از کتابت‌ها و رسم‌الخطهای موجود را آموزش داد. مقایسه رسم‌الخطهای رایج در کتاب درسی آموزش قرآن پایه سوم راهنمایی اتفاق افتاده است.

یک نکته جالب

همان طور که می‌دانیم حروف فارسی و عربی از نظر شکل با هم مشترک هستند (به غیر از چهار حرف گ چ پ ژ) و هم چنین بسیاری از واژگان از نظر لفظ و معنا در دو زبان مشترک است. هر چند این

مشترکات می‌تواند و باید به عنوان یک فرصت و امکان با ارزش محسوب شود، در عین حال دارای آسیب‌هایی هم می‌تواند باشد. به این مثال خوب توجه کنید:

این جمله را بخوانید «**آن چه که می‌توانید، قرآن بخوانید.**» شما در خواندن این جمله، به چه چیزی توجه داشتید و چه چیزی را خواندید؟ بله، شما به «**حروف**» فارسی توجه کردید. و این عادت همیشگی ماست که همواره در خواندن، به حروف توجه می‌کنیم. اما سؤالی در این جا مطرح می‌شود این است: «**آیا در خواندن آیات شریفه قرآن کریم هم باید به حروف توجه کرد؟**» پاسخ این سؤال «**خیر**» است. زیرا اگر شما در خواندن آیات و عبارات قرآن به حروف توجه کنید مطمئناً دچار اشکالات متعددی می‌شوید و عموم اشکال رایج افراد در خواندن قرآن از بی‌توجهی به همین مسأله ناشی می‌شود. یعنی آن که باید بیاموزیم که در خواندن قرآن برخلاف خواندن فارسی، توجه بصری (چشمی) ما حتماً به «**علائم**» باشد و نه حروف؛ زیرا عموم افراد در شناخت حروف فارسی و عربی، مشکل خاصی ندارند، اما در شناخت علائم قرآن (اعراب) با مشکل جدی روبه‌رو هستند.

یادمان باشد که از آن جا که همه ما با شکل و خواندن حروف، آشنا هستیم، باید بیش‌تر توجه و حواس خود را به دیدن **علائم** حروف معطوف داریم؛ مانند راننده‌ای که هنگام رانندگی هیچ‌گاه به ترمز، گاز، کلاچ و دست دنده و فرمان اتومبیل نگاه نمی‌کند بلکه همواره به علائم و تابلوهای مسیر توجه دارد. نتیجه‌ای که می‌توان از نکته فوق برای بهبود شیوه‌های آموزش گرفت این است که توجه به دیدن علائم حروف به جای دیدن حروف، کلید حل بسیاری از مشکلات روخوانی قرآن کریم است.

چند پیشنهاد

۱- لزوم توجه به اتخاذ عزم جدی برای ایجاد وحدت رویه در تهیه و ارائه رسم الخطی واحد که ساده‌ترین و نزدیک‌ترین رسم الخط به خط فارسی باشد و بالتبع آن ارائه «**قرآن ملی**» در کشور برای احاد مردم، متناسب با «**سواد قرآنی**» آنان با رعایت مسائلی مانند :

- ۱-۱- قانون‌مندی خط، یعنی دارای ویژگی‌هایی با بیش‌ترین تعمیم و کمترین استثناء
- ۱-۲- اکتفا به علائم ملفوظ و ضروری و عدم استفاده از علائم زائد
- ۱-۳- استفاده از رسم‌الاملاء عربی در موارد اختلاف با رسم‌المصحف
- ۱-۴- عدم ترکیب و تداخل حروف
- ۱-۵- قرار داشتن حرکات و علائم در جای مناسب و عدم جابه‌جایی آنها
- ۱-۶- استفاده از ساده‌ترین و گویاترین شکل علائم ضروری مانند تنوین و اشباع در مواردی که این علائم به صورت‌های مختلفی نوشته می‌شوند.

۲- اصلاح رسم‌الخط‌های موجود با تخفیف در مسائل خوشنویسی و حذف علائم سلیقه‌ای و زینتی و مزاحم و هم‌چنین توجه به کلمه‌آرایی، سطرآرایی و صفحه‌آرایی در نگارش مصاحف شریف.

۳- پرهیز از استفاده از شیوه‌های نامناسب آموزش روخوانی قرآن کریم که در این مقاله به تفصیل مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

۴- توجه به هدف بسیار مهم «**انس با قرآن کریم**» هم در جریان آموزش و هم به عنوان نتیجه یادگیری و بهره‌گیری از روش‌های مناسب که در نهایت منجر به «**قرآن‌خوان**» شدن مستمر و مادام‌العمر فرد در مسیر زندگی بشود.

سخن آخر

۱- مناسب است متولیان محترم فعالیت‌های قرآنی کشور به وضعیت موجود رسم‌الخط‌های متعدد سر و سامان دهند. برای کشور عزیزمان زینده نیست که پس از گذشت ۳۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی هنوز يك رسم‌الخط استاندارد و واحد وجود نداشته باشد. در حالی که بسیاری از کشورهای اسلامی از سال‌ها قبل برای خود رسم‌الخط واحدی دارند.

۲- در نظر گرفتن کرسی‌های روش‌شناسی (متدولوژی) آموزش‌ها و فعالیت‌های قرآنی در کشور با هدف نقد و بررسی وضعیت موجود و اتخاذ تدابیر لازم و اصلاح الگوهای آموزش قرآن جهت رسیدن به وضعیت مطلوب، بسیار ضروری است.

منبع: quran-dept.talif.sch.ir